خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

فرمانده انتظامی جاجرم خبر داد:

## انهدام باند خرید و فروش اسلحه شکاری غیر مجاز

صدیقی- فرمانده انتظامی جاجرم از کشف و انهدام یک باند خرید و فروش اسلحه شکاری غیر مجاز در این شهرستان خبر داد. فرمانده انتظامی جاجرم با بیان این مطلب به خبرنگار ما گفت: در پی اعلام خبری مبنی بر خرید و فروش سلاح شکاری غیر مجاز در شهرستان جاجرم موضوع در دستور کار پلیس اطلاعات این شهرستان قرار گرفت. سرهنگ«مهدی اسماعیلیان» افزود: مأموران انتظامی جاجرم با انجام یک سری کارهای اطلاعاتی موفق به شناسایی متهمان مورد نظر شدند و در یک عملیات غافلگیرانه آنان را دستگیر کردند. وی خاطرنشان کرد: پس از بازرسی از مخفیگاه متهمان ۱۲ قبضه اسلحه شکاری غیر مجاز کشف و ضبط شد. وی تصریح کرد: در این رابطه ۳ متهم دستگیر و به مراجع قضایی تحویل داده شدند تا پرونده آن ها مورد رسیدگی قرار گیرد. وی با اشاره به آسیب های نگهداری از اسلحه‌های شکاری افزود: طی سال های اخیر استفاده از اسلحه های شکاری طی نزاع ها افزایش یافته و این در حالی است که استفاده از اسلحه در نزاع به ویژه در نزاع های دسته جمعی عواقب بیشتری نسبت به استفاده از سلاح های سرد دارد. وی ضمن هشدار به قاچاقچیان اسلحه های شکاری غیر مجاز ادامه داد: نیروی انتظامی به دلیل عواقب اجتماعی توزیع این سلاح ها در میان مردم نسبت به این جرم حساسیت بالایی دارد و به شدت با متخلفان برخورد می کند. وی ضمن هشدار به آن دسته از افرادی که بدون هیچ دانشی اقدام به خرید سلاح می کنند، افزود: این افراد بدانند که نگهداری از سلاح، سلامت آن ها و خانواده های شان را تهدید می کند.

### آژیر قرمز

## نگاهی به قوانین آدم ربایی

بر اساس اعلام دادگستری خراسان شمالی، طی ۵ سال گذشته هزار و ۶۹۵ پرونده مرتبط با موضوع آدم ربایی وارد محاکم کیفری دادگاه های استان و هزار و ۶۸۴ پرونده بررسی و خارج شده است . هر چند اغلب پرونده های آدم ربایی به صدور کیفر خواست آدم ربایی منتهی نمی شود اما روند رو به افزایش تشکیل پرونده هایی در این رابطه حاکی از ناآگاهی افراد نسبت به قوانین در این رابطه و همچنین روند رو به رشد مسائل و مشکلات در این زمینه است. در مطلب زیر نگاهی داریم به جرم آدم ربایی و قوانین مرتبط با آن.

### تعریف آدم ربایی

انتقال یک یا چند شخص از مکانی به مکان دیگر برخلاف اراده آنان، که ممکن است از راه خدعه یا فریفتن یا با زور انجام گیرد و یا انتقال یک شخص بدون رضایت او از محلی به محل دیگر به وسیله زور، تهدید یا فریفتن، آدم ربایی تعریف می شود. در تعریف دیگری از آدم ربایی آمده است آدم ربایی به معنای سلب آزادی تن دیگری بدون رضایت او و با قصد نامشروع، از راه جابجایی از محلی به محل دیگر است. ربودن فرد یا افراد از موارد توقیف در معنای عام به شمار می رود که ممکن است به توقیف در مفهوم خاص نیز بینجامد و به محض سلب آزادی واقع می شود و این سلب آزادی ماهیت جرم آدم ربایی است .

### درباره جرم آدم ربایی

جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگری دو مصداق از جرایم علیه اشخاص است که علاوه بر سلب آزادی و صدمات بدنی که ممکن است به مجنی علیه وارد شود، بیشتر شخصیت معنوی قربانی جرم، مورد تعرض قرار می گیرد. این جرم که به صورت خاص، یک ماده و به صورت عام، چند ماده از قانون مجازات اسلامی را به خود اختصاص داده است در منابع قوانین کیفری ایران، مصوبات فراوانی در مورد آن دیده می شود.ماده یک:«هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سوء دیگر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصی را بربابد یا مخفی کند به حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب،حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال خواهد بود.»ماده ۲: «هرگاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و به سبب ربودن یا اخفا یا آسیب وارده فوت کند یا ناپدید شود یا به او صدمه جسمی یا روانی برسد که منجر به مرض دائمی یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد، مجازات مرتکب، اعدام است.»ماده ۳:«هرگاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و با او لواط شده یا هتک ناموس او شده باشد مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن مجنی علیه کمتر از دوازده سال تمام باشد مجازات مرتکب اعدام است.»ماده ۴:«هرگاه سن مجنی علیه پانزده سال تمام یا بیشتر باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیب های وارده فوت کند یا ناپدید شود مجازات مرتکب اعدام است و اگر به او صدمه جسمانی یا روانی وارد شود که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد و یا با او لواط شده یا هتک ناموس او شده باشد مجازات مرتکب حبس دائم است.»ماده۵:«هرگاه به مجنی علیه صدمه جسمی یا حیثیتی وارد شود در صورتی که سن او کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن او پانزده سال تمام یا بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال است.»ماده۶:«در مورد ناپدید شدن مجنی علیه حکم اعدام تا احراز این موضوع که مجنی علیه در اثر جرم ارتکابی فوت کرده است اجرا نخواهد شد و محکوم علیه در حبس باقی می ماند و هرگاه پس از صدور حکم قطعی دلیلی بر زنده بودن مجنی علیه به دست آید اعاده دادرسی به عمل خواهد آمد.»

اشک نامه سه کودک بی‌گناه در زندان نامادری

# نامادری! چه نامادری!!

صدیقی-این یک داستان واقعی است و مادران احساسی اگر تحمل شنیدن شکنجه شدن کودکی را ندارند این گفت و گو را نخوانند . شاید تاکنون قصه های زیادی از نامهربانی و سنگدلی های یک نامادری و شکنجه فرزندان شوهرش در نبود پدرشان شنیده باشید و با خود گفته باشید در واقعیت چنین زن سنگدلی وجود ندارد اما دختر داستان واقعی ما می گوید متأسفانه چنین افرادی هم در واقعیت وجود دارند؛ نامادری نامهربانی که بدترین شکنجه ها را در حق کودکان معصوم شوهرش روا داشته است و هر انسان معمولی باورش نمی شود فردی به این اندازه سنگدل باشد.

شکنجه های این نامادری به اندازه ای دردناک بوده است که ما حتی قادر به نوشتن برخی از شکنجه های خاص و بی رحمانه این زن نیستیم. قصد ما از این گفت و گو زیر سوال بردن زحمات همه نامادران نیست و بدون شک زنان زیادی هستند که به فرزندان همسران شان مهر و محبت فراوانی داشته اند اما نامهربانی نامادری و ناپدری یکی از آسیب های پدیده طلاق است که این روزها در جامعه ما رو به افزایش است و ما امیدواریم با این گفتگو مادران در زندگی مشترکشان صبر بیشتری را به خاطر فرزندانشان پیشه کنند تا مبادا جگر گوشه هایشان دچار چنین حوادث تلخی شوند. در این گزارش خبرنگار ما تنها به ادعاهای فرد گفت و گو شونده اکتفا نکرده و صحت صحبت های او را نیز پی گیری کرده است با این وجود نمی توانیم تمام ماجرای این فرد را که هم اکنون در یکی از روستاهای بجنورد زندگی می کند تأیید کنیم.

**■ یکی از قربانیان طلاق هستی و به خاطر دوری از مادرت دردهای زیادی کشیده ای برایمان از چگونگی شروع سرنوشت تلخت بگو؟**

مادرم به خاطر دخالت های فامیل پدرم از او طلاق گرفت و پدرم نیز به خاطر شغلش که رانندگی است مدام در جاده و شهرهای اطراف است و من به همراه خواهر و برادر کوچکترم نزد نامادری مان زندگی می کردیم.

**■ گفته شده است شما از طرف نامادری تان بارها شکنجه شده اید، او با چه وسایلی شما را شکنجه می داد و چرا موضوع شکنجه هایتان را به پدرتان نگفتید؟**

ما را با انبر دست ، مگس کش ، کمربند و حتی با سیخ داغ کباب، شکنجه می داد ولی ما از ترس نامادری مان جرات گفتن حقیقت را به پدرم و شخص دیگری نداشتیم.

**■ کمی از خودت و زندگی تلخی که با خواهر و برادرت داشتی بگو؟**

از زمانی که یادم می آید پدرم با مادرم دعوا می کرد و مدام مادرم را کتک می زد و همه این اتفاقات به خاطر دخالت های فامیل پدرم بود که یکسره او را تحریک و پشت سر مادرم بدگویی می کردند و پدرم را به جان مادرم می انداختند. یک خواهر و برادر کوچکتر از خودم دارم. دختر بزرگ خانه بودم و درس می خواندم. شغل پدرم رانندگی بود و با ماشین های بزرگ کار می کرد و تقریبا یکسره در جاده بود و هفته ای یک بار به خانه می آمد. تا پنجم ابتدایی بیشتر درس نخوانده بودم که بالاخره مادرم از دست کارهای پدرم خسته شد و طلاقش را گرفت و از ما جدا شد. مدتی با پدرم تنها زندگی می کردیم و من علاوه بر درس خواندن کارهای خانه را هم انجام می دادم ولی به خاطر سن کمی که داشتم کار زیادی از دستم بر نمی آمد تا این که وقتی پدرم دید شرایط زندگی ما روز به روز بدتر می شود به پیشنهاد یکی از افراد فامیل دوباره ازدواج کرد و تازه روزگار سیاه و تاریک ما شروع شد. از روز اول نامادری مان به خاطر این که زهر چشم از ما بگیرد با کمربند به جان ما افتاد و تا جایی که می توانست ما را کتک زد و بعد از آن ما را داخل اتاق زندانی کرد و اصلا حاضر نبود ما را قبول کند و از طرفی هم جرات گفتن این موضوع را به پدرمان نداشتیم. با هر بدبختی بود تا کلاس سوم راهنمایی درس خواندم و به خاطر شرایط سختی که نامادری مان برای ما ایجاد کرده بود حال درس خواندن نداشتم و مجبور شدم ترک تحصیل و در خانه به او کمک کنم.

هر چند وقت یک بار نامادری مان به یک بهانه من و خواهر و برادر کوچکترم را به شدت کتک می زد و گاهی اوقات با سیخ داغ کباب ما را شکنجه می داد و بعد از آن ما را داخل اتاق تا مدتی زندانی می کرد و گرسنه و تشنه ما را نگه می داشت تا این که آنقدر گریه و زاری می کردیم تا ما را آزاد می کرد. پدرم مدام در جاده بود و اصلا از ماجرا خبر نداشت و ما هم جرات گفتن آزار و اذیت های نامادری مان را به او نداشتیم و ما را تهدید می کرد اگر کسی از موضوع با خبر شود ما را کباب خواهد کرد! بعد از مدتی نامادری مان صاحب یک فرزند شد و مدام بهترین غذاها را به او می داد و مقدار کمی از باقیمانده غذا را تا حدی که از گرسنگی نمیریم به ما می داد تا جایی که از شدت گرسنگی ضعف می کردیم و نای حرف زدن نداشتیم. یک روز این‌قدر گرسنه شده بودیم و دلم به حال خواهر و برادر کوچکترم سوخت که از یخچال مقداری غذا برداشتم و با هم خوردیم .

وقتی نامادری مان متوجه شد که بدون اجازه او از یخچال غذا برداشته ایم با کمربند و مگس کش به جان برادرم افتاد و شروع به کتک زدن او کرد و بعد از آن نیز به سراغ من آمد و با انبر دست و سیخ کباب من را شکنجه داد و داغ کرد و بعد از آن ما را طبق معمول داخل اتاق چند روزی زندانی کرد . وقتی به برادر ناتنی مان نگاه می کردیم او از دست پر خوری و چاقی نای حرف زدن و راه رفتن نداشت و ما هم از دست لاغری و گرسنگی حال راه رفتن نداشتیم و بعضی از شب ها تا صبح آهسته گریه می کردیم چون اگر نامادری مان متوجه می شد به شدت ما را کتک می زد. هر چند وقت یک بار مادرم که در روستا زندگی می کرد به دیدن ما می آمد و خبر ما را می گرفت و کمی هم خوراکی برای ما می آورد. موقع آمدن مادرم، نامادری مان کنار ما می نشست تا مبادا به او چیزی بگوییم و همیشه زیر چشمی ما را زیر نظر داشت، ما هم جرات گفتن حقیقت را نداشتیم و آرزو می کردیم هیچ وقت مادرمان ما را ترک نکند.

عکس: تزئینی

**وقتی همسایه ها دیدند ما زندانی شده ایم و خبری از پدر و نامادری مان نیست با پلیس تماس گرفتند و با کمک کارکنان یک نهاد دولتی ما را از آن خانه جهنمی و ترسناک نجات دادند**

بعد از رفتن مادرمان مدتی گریه می کردیم ولی با تهدید نامادری مان مجبور می شدیم ساکت شویم و این‌قدر ما را با انبر دست و سیخ کباب شکنجه کرده بود که همه بدنمان کبود و سیاه شده بود وکاری هم از دست مان بر نمی آمد و فقط در خلوت گریه می کردیم . این ماجرا ادامه داشت تا این که روزی نامادری مان موقع رفتن به مسافرت ما را داخل اتاق زندانی کرد و مقدار کمی غذا و آب برای ما گذاشت و از خانه خارج شد ولی این بار حدود یک هفته طول کشید. قبلاً که ما را چند روز زندانی می کرد هر چند وقت یک بار سراغ ما را می گرفت و کمی غذا به ما می داد و برای مدت کوتاهی به ما اجازه رفتن به سرویس بهداشتی را می داد ولی این بار چند روز گذشت ولی خبری از کسی نشد. خیلی گرسنه و تشنه شده بودیم و خواهر و برادر کوچکترم مدام گریه و بی تابی می کردند. اتاقی که ما در آن زندانی بودیم پنجره اش رو به کوچه بود و صدای همسایه ها را می شنیدیم. وقتی دیدم خبری از نامادری مان نیست شروع به داد و بیداد و گریه کردم تا این که یکی از همسایه ها متوجه صدای ما شد و مقداری غذا و آب از پنجره به ما داد و به ما گفت نگران نباشید حتما تا غروب نامادری تان به خانه برمی گردد . شب شد ولی از کسی خبری نشد و تا صبح گریه می کردیم تا این که روز بعد وقتی همسایه ها دیدند ما زندانی شده ایم و خبری از پدر و نامادری مان نیست با پلیس تماس گرفتند و با کمک کارکنان یک نهاد دولتی ما را از آن خانه جهنمی و ترسناک نجات دادند. بعد از این که ما را به کلانتری بردند با پدرم تماس گرفتند و پدرم نیز خودش را به ما رساند و تازه آن موقع متوجه شد که در طول این ۵ سال نامادری مان چه بلایی بر سر ما آورده است. وقتی نامادری مان از سفر برگشت پلیس او را بازداشت کرد و مدتی در بازداشت بود تا این که پدرم تعهد داد دیگر از این اتفاقات نخواهد افتاد و قول داد یک خانه مستقل برای ما اجاره کند تا دیگر کسی ما را آزار و اذیت نکند .بعد از تعهد پدرم ، نامادری مان آزاد شد و من هم به همراه برادر و خواهر کوچکترم زندگی مستقلی را شروع کردیم. وقتی مادرم از این موضوع با خبر شد خودش را سریع به ما رساند و تا مدتی که پدرم در خانه نبود کنار ما ماند و از ما مراقبت کرد. حدود یک سال گذشت تا این که وقتی یکی از فامیل های مادرم متوجه ناراحتی و گریه مداوم او شده بود موضوع را از او پرسیده بود که مادرم نیز همه ماجرا را برای او تعریف کرده بود و بعد از شنیدن ماجرای ما او به مادرم قول داده بود هر کاری از دستش بر بیاید برای ما انجام خواهد داد. او بعد از چند ماه من را برای پسرش خواستگاری کرد .قبل از ازدواج همه ماجرا را برای نامزدم تعریف کردم و او هم در کمال مهربانی و بزرگواری قبول کرد و قول داد گذشته ها را فراموش کند و الان هم حدود یک سال از ازدواج ما می گذرد و زندگی و روزهای خوبی را در کنار همسرم تجربه می کنم.

**■ خواهر و برادرت نزد چه کسی زندگی می کنند؟**

الان پیش پدرم زندگی می کنند و خدا را شکر بعد از آن ماجرا دیگر مشکلی برای آن ها پیش نیامد و در کمال آسایش با کمک کارکنان یکی از مراکز دولتی به خاطر شرایط بد خانواده و سرپرستی که داشتیم الان زندگی خوبی داریم .

### عبرت

## ملاقات شوم

پدرم یک کارگر ساده بود و از طریق حمل و جابجایی بار برای بازاریان، زندگی ما را اداره می کرد . او به خاطر سختی های زیادی که کشیده بود بسیار تندخو و عصبی بود و مدام مادرم را به باد کتک می گرفت.

روزی وقتی به خانه برگشتم پدرم را دیدم که به شدت مادرم را کتک می زد و سریع خودم را به پدرم رساندم تا مانع کارش شوم ولی او من را هم به باد کتک گرفت و با هم درگیر شدیم و پدرم با عصبانیت من را از خانه بیرون کرد. در خیابان بی‌هدف می گشتم تا این که داخل پارک با یک پسر خوش زبان و فریبکار آشنا شدم.

او با حرف هایش من را خام کرد و قول داد در اسرع وقت به خواستگاری من بیاید و به خاطر همین مدتی با او در ارتباط بودم تا این که بعد از مدتی او به قولش عمل کرد و به خواستگاری من آمد و من هم سریع قبول کردم تا حداقل از آن زندگی جهنمی و عذاب آوری که پدرم برای ما به وجود آورده بود خلاص شوم.

بعد از ازدواجمان در یکی از خانه های پدر شوهرم ساکن شدیم و بعد از مدت کوتاهی فهمیدم که همه اعضای خانواده شوهرم در کار فروش مواد مخدر هستند و من به کارهای شوهرم اعتراض کردم.

پدر شوهرم مجبور شد خانه دیگری در نزدیکی خودشان برایمان اجاره کند و در آنجا ساکن شدیم. مدتی گذشت، شوهرم به غیر از کار خلاف و فروش مواد کار دیگری بلد نبود و به خاطر همین این قدر از دست کارهای او حرص خوردم تا این که مشکل عصبی پیدا کردم و سردرد عجیبی گریبانگیرم شد . به پیشنهاد شوهرم برای کاهش دردم کمی مواد مصرف کردم.

برای اولین بار لب به مواد زدم و تا به خودم آمدم دیدم در منجلاب اعتیاد غرق شده ام و انواع و اقسام مواد از نوع کراک و حشیش و ... را تجربه کردم و از طرف دیگر شوهر بیکارم نیز همه وسایل خانه را برای تهیه مواد فروخت و چیزی برای زندگی خودمان باقی نگذاشت. تا این که روزی با هم درگیر شدیم و شوهرم من را از خانه بیرون کرد و بعد از مدتی طلاقم داد.

دست از پا دراز تر به خانه پدرم برگشتم.

وقتی پدرم من را با آن وضعیت اسفناک دید دوباره شروع به شماتت و نیش و کنایه زدن به من کرد و قبل از این که بتوانم در خانه آن‌ها اعتیادم را ترک کنم از خانه فرار کردم و تا الان هم آواره کوچه و خیابان هستم و برای امرار معاش خود زباله جمع می کنم و شب ها نیز در کنار بقیه افراد مثل خودم به خواب های پریشانم ادامه می دهم.

آگهی نتیجه انتخابات : هیئت مدیره و بازرسان انجمن صنفی کارفرمایی آموزشگاه های آزاد شهرستان بجنورد
به موجب مدارک تسلیمی از سوی انجمن فوق الذکر که اسامی و سمت هر یک از اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیره که از تاریخ ۹۵/۴/۲۲ به مدت سه سال و بازرسان به مدت یک سال انتخاب شده اند به شرح ذیل می باشد:
۱. رئیس هیئت مدیره : اقدس رحیمی ۲. نایب رئیس : معصومه علی آبادی
۳. خزانه دار : مهر انگیز وحید حداد ۴. بازرس اصلی : بی بی مریم طاهری
خانم لیلا ابراهیمی بازرس علی البدل
خانم فاطمه طبری و خانم زینب محمدی عضو علی البدل هیئت مدیره
حسن نوری – سرپرست اداره کل تعاون ، کار و رفاه اجتماعی خراسان شمالی
۹۵۱۳۷۴۹۳/و

«بهترین کیفیت ، با مناسب ترین قیمت»
این فروشگاه همه روزه درخدمت شما همشهریان عزیز می باشد «حتی در روز های تعطیل»
بورس کالاهای BOSCH آلمان
لوازم خانگی علی پور علی رضا
BOSCH SAMSUNG LG CROP beko
انواع لوازم خانگی با برندهای معتبر
انواع کولرگازی LG GREE و SAMSUNG
انواع تلویزیون های LED به همراه میز
۰۹۱۵ ۶۸٤ ۱۰۰۶ - ۰۵۸ ۳۲۲ ۵۱ ۳۵۸
بجنورد - طالقانی شرقی ۶ - روبروی شرکت گاز
«نقد و اقساط با چک کارمندی»
۹۵۱۳۷۶۸۱/و